

جایگاه و حقوق سالمندان در خانواده و جامعه از منظر آیات و روایات

طاهره سادات طباطبایی امین^۱

زهرا عباس پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۰

چکیده

سالمندی پدیده‌ای جهانی است، که در آینده‌ای نزدیک به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های اجتماعی و رفاهی به ویژه در کشورهای در حال توسعه مطرح خواهد شد. با توجه به اهمیت مسأله سالمندی بررسی آموزه‌های دینی در خصوص وظیفه دولت، خانواده، و عموم مردم نسبت به سالمندان ضروری است. این تحقیق به شیوه توصیفی همراه با تحلیل محتوای آیات و روایات، و مبتنی بر مطالعه‌ی کتابخانه‌ای می‌باشد.

راهبردهای مطرح شده در منابع دینی برای تعامل با سالمند در حوزه وظیفه دولت: ارائه خدمات ویژه و حمایت از رفاه اجتماعی سالمند، اختصاص حقوق و دستمزد و مراکز ویژه سالمندان، و بهره‌گیری از توانمندی و تجربه آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های کشور و ایجاد کار در شأن آن‌ها می‌باشد. اما وظایف خانواده و عموم مردم عبارتند از: تعظیم، تکریم و احترام سالمندان، بردباری در مقابل خواسته‌های سالمند، گوش سپردن به سخنان وی، بهره‌مندی از تجربه سالمند و مشورت با وی، عدم موضع‌گیری در برابر سالمند، و مقدم شمردن معلم مسن در امر آموزش دینی و مذهبی.

واژگان کلیدی: خانواده، سالمند، وظیفه مردم، رفاه اجتماعی، وظیفه دولت.



۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران،

tabatabaei.amin@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی

zahra.abbspour@gmail.com

طرح مسئله

با توجه به رشد روز افزون افراد سالمند در جهان، و در چند سال آینده در ایران، لزوم توجه به نیازهای سالمندان و پرداختن به موضوع سالمندی در حوزه‌های مختلف علمی و معارف دینی و پیشگیری از مخاطراتی که سالمندان را تهدید می‌کند اقدامی ضروری است که باید مورد توجه جدی مراکز علمی و پژوهشی قرار گیرد.

در کشورهای در حال توسعه، بالاخص کشورهای اسلامی که پایینند به اعتقادات دینی و فرهنگی هستند، سالخوردگی هنوز هم جزء مشکلات جمعیتی محسوب نمی‌شود، اما وضع زندگی ماشینی، مهاجرت‌های متعدد از روستا و شهرهای کوچک به بزرگ، کوچک شدن مساحت و فضای خانه‌ها و شاغل شدن زن و مرد در بیرون از خانه برای امرار معاش، اولاد کمتر و... موجب انزوای اجتماعی سالمندان و اختلالات روانی و رفتاری آنان شده است. در ظاهر تکنولوژی مدرن علاقه‌ای به سالمند ندارد.

در قرآن کریم و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام در مورد چگونگی رفتار و تعامل با افراد سالخورده سفارش‌هایی ارائه شده است تا افراد جامعه، از جمله مسئولان و دولتمردان براساس آن‌ها رفتار خود را تنظیم کنند. این توصیه‌ها علاوه بر این که می‌توانند نقش راهبردی و جهت‌گیری کلی رفتار با سالمند را به ما نشان دهند سبب ارتقاء سلامت روحی و روانی او نیز می‌شود.

راهبردهای مطرح شده برای تعامل با سالمند را در سه حوزه می‌توان تقسیم‌بندی کرد؛ خانواده، عموم مردم (جامعه) و حکومت. البته در منابع اسلامی چگونگی رفتار و تعامل با والدین سالمند بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است اما روایات بسیاری هم رسیده که سالمند را به معنای عام مورد تفقد و تعظیم و تکریم قرار داده‌اند. در این تحقیق سعی بر آن است در دو حوزه حکومت و جامعه مطالبی را متذکر شویم.

قرآن با بیان ویژگی‌های انسان از نظر توانمندی در مراحل مختلف زندگی برای سه گروه پیام دارد؛ نخست: به جوانان هشدار می‌دهد که نیروی جوانی پایدار نیست، تا می‌توانند از این نیرو برای خودسازی استفاده کنند و برای دوره سالمندی برنامه‌ریزی کنند. به سالمندان نیز تذکر می‌دهد که ضعف‌ها و سستی‌های دوران سالمندی، سنت الهی و برنامه نظام آفرینش است. پس آن را به‌عنوان واقعیتی اجتناب‌ناپذیر، قبول کنند و خود را با شرایط آن سازگار کنند و در برابر مشکلات این مرحله بردبار باشند و گلایه نکنند. در پایان به عموم افراد جامعه و حاکمان و سیاستمداران نیز یادآور می‌شود که انسان در دوره سالمندی مانند دوره کودکی، ضعیف و ناتوان می‌شود و نیاز به محبت، دلجویی بیشتر و خدمات ویژه‌ی دولتی دارد.

پیشینه تحقیق بیانگر نوآوری مقاله حاضر است. زیرا در این راستا پژوهشگران تنها به مباحث سلامت و چگونگی پرستاری و مباحث زیست‌شناسی و تغذیه، پزشکی، روان‌شناسی پیری، جمعیت‌شناسی پیری پرداخته‌اند.

تنها مقاله‌ای که بارویکرد دینی به این مسأله پرداخته: «آداب تعامل مثبت با سالمندان براساس آموزه‌های قرآن و روایات» است^۱، و هیچ پژوهشگری به حقوق سالمندان از دیدگاه اسلام نپرداخته است. لذا مقاله‌ای مرتبط با سالمندی که به صورت اختصاصی، و نظام‌مند، تکالیف حکومت و مردم را براساس آموزه‌های دینی مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد.

از این رو مقاله در پی پاسخ به این مسئله است که وظیفه جامعه و خانواده در قبال سالمندان در آیات و روایات چیست؟ به عبارت دیگر: مردم و دولت چگونه می‌توانند در دوران سالمندی به افراد یاری برسانند؟

۱- مفهوم‌شناسی واژگان تحقیق

در ابتدا چند مفهوم مبنایی را به طور خلاصه بررسی می‌کنیم، این مفاهیم عبارت‌اند از:

۱-۱ سالمندی در لغت و اصطلاح

سالمندی، مفهوم پیچیده‌ای نیست ولی با توجه به دوره‌های گوناگون آن، در زبان عربی واژه‌های متعددی برای آن به کار گرفته شده است. در معجم‌های عربی، واژه «طفل» برای دوره خردسالی، «شاب» و «فتی» برای دوره جوانی، «کهل» برای فرد کامل و مُسن. (جوهری، ۱۳۷۶- ۱۸۱۳/۵)، «شیخ» برای دوره میان‌سالی و بعدازآن، (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۱/۶-۶۲، فیروزآبادی، ۱۴۱۵/۳۶۳) و «هَرَم» برای انتهای سالمندی و پیری - که همراه با فرتوتی و ضعف قوای جسمی و ادراکی است - به کار می‌رود. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۶۰۷)، واژه «عجوز» نیز که در لغت به معنای ناتوان است ولی به سالمند هم، چون نیرو و توان خود را در بیشتر کارها از دست داده و ناتوان شده است عجز می‌گویند، البته بیشتر کاربردش برای زن سالخورده می‌باشد. واژه‌های «مشیب، دوشبیه» و «کبیر» نیز بدون اشاره به سن خاصی برای بزرگ‌سالی و سالمندی به کار می‌روند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۲۳۲)

در اصطلاح علم پیری‌شناسی (Gerontology) سالمندی، فرایندی زیست‌شناختی است که

۱. اثر زهرا عباسپور و دکتر طاهره سادات طباطبائی امین، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین درآموزه‌های قرآن و سنت، ش ۴، ۱۳۹۸.

زمینه‌ی برخی دگرگونی‌های طبیعی را در کالبد جانداران و کاهش نیروی آنان به‌ویژه انسان فراهم می‌آورد. (فروغ‌عامری، ۱۳۸۰: ۱۱) در بعد روانی نیز به معنای فرسودگی تدریجی انسان است که موجب می‌شود طراوت و شادابی، عزم و اراده، اعتماد به نفس، قدرت خطرپذیری و احساس مفید و مولد بودن کاهش می‌یابد. (ری‌شهری، ۱۳۹۶: ۲۰) علمای فقه، سالمندی را با ناتوانی و تخفیف یارفع برخی تکالیف شرعی معادل دانسته‌اند. (عباسپور، ۱۳۹۸: ۱۸)

طبق سند ملی سالمندان کشور، در ایران عبور از سن ۶۰ سالگی، مرز سالمندی خوانده شده است و بر پایه افزایش سن و تغییرات و نقصان بیشتر، سالمندان به سه گروه: سالمند جوان (۶۰ تا ۷۵ سال)، سالمند پیر- میان سال (۷۶ تا ۹۰ سال)، سالمند خیلی پیر- کهن سال (۹۰ سال به بالا) دسته‌بندی می‌شوند. (سند ملی سالمندان کشور، ۱۳۹۶: ۲۸)

این دسته‌بندی، نشان می‌دهد که سالمندی لزوماً با فرتوتی مترادف نیست. بسیاری از سالمندان می‌توانند مانند دیگر افراد، فعالیت اقتصادی یا اجتماعی تمام یا نیمه‌وقت داشته باشد.

۱-۲ رفاه اجتماعی

به مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی که نیازهای فردی، جسمی، روانی و اجتماعی آحاد جامعه را تأمین کرده و در همه مردم احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود آورد «رفاه اجتماعی» گفته می‌شود (هزارجریبی، صفری شالی، ۱۳۹۱: ۱۶) وجود رفاه اجتماعی در هر جامعه، یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه یافتگی آن جامعه و بازتولیدکننده توسعه آن تلقی می‌شود (هزارجریبی، صفری شالی، ۱۳۹۱: ۲۸) همچنین رفاه اجتماعی اقشار مختلف جامعه به ویژه گروه‌های ضعیف و آسیب‌پذیر، اصیلترین و انسانی‌ترین مشخصه توسعه است. (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۱۰۰) پس کلیه تدابیر و راه‌حل‌هایی که به منظور تأمین رفاه همگانی ارائه می‌شوند و دربرگیرنده امکاناتی مانند بهداشت، خوراک، پوشاک، مسکن، کار، امنیت، آزادی، وسایل زندگی، اوقات فراغت و حتی وسایل تفریح و... برای همگان است می‌تواند از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی باشد. (به نقل از موسوی، ۱۳۹۵: ۱۹۰)

در تعالیم اسلام با تعبیر «تامین اجتماعی» از این مقوله یاد شده است و یکی از مقوله‌های مهم حکومت به شمار آمده است. از دیدگاه اسلام، همه انسان‌ها در برابری عدالتی و فقر در جامعه مسئول‌اند و برای تحقق تامین اجتماعی در جامعه اسلامی به دو بخش تدابیر حکومتی و فردی اشاره شده است. تدبیر حکومتی شامل مواردی از تامین اجتماعی است که بر مبنای آن

حکومت بخش از ثروت ثروتمندان را طبق ضوابطی (مانند زکات و خمس) دریافت می‌کند تا برای مصارف عمومی و رفع فقر هزینه کند. تدابیر فردی نیز شامل مصداق‌هایی از تأمین اجتماعی است که بر مبنای آن افراد به میل و اختیار خود (مانند صدقه، نذر، انفاق، وقف و ...) به نیازمندان کمک می‌کنند. (بی‌آزار شیرازی: ۲۱۳۶۳/۶۰-۴۴)

شاخص‌هایی که در ایران برای رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، عبارت‌اند از: آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و درآمد تأمین اجتماعی. در کنار شاخص‌های اصلی، چند شاخص فرعی نیز برای رفاه در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله: گذران اوقات فراغت، دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط زیست و امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جانی (مسعود اصل: ۹۰۱۳۸۸-۸۷)

از آنجا که سالمندان از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند و با توجه به این شاخص‌ها مفهوم رفاه برای اقشار و گروه‌های مختلف جامعه از جمله سالمندان متفاوت بوده و چگونگی دستیابی به امکانات رفاهی را از سوی این قشر، تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس از وظایف حکومت، تأمین رفاه اجتماعی، تضمین سطح زندگی آبرومندانه و امن و راحت، برای این قشر از جامعه می‌باشد.

۳-۱ بسامد قرآنی از واژه سالمندی و مفهوم آن در متون دینی

واژه «شَیْب» در سه آیه (مریم/۴ روم/۵۴ مزمل/۱۷) تکرار شده و واژه «شَیْخ» در ۴ آیه: (قصص/۲۳ هود/۷۲ یوسف/۷۸ غافر/۶۷)، واژه «کَبِیر» در ۶ آیه: (بقره/۲۶۶ آل عمران/۴۰ ابراهیم/۳۹ الحجر/۵۴ اسراء/۲۳ مریم/۸) واژه «کَهْل» در ۲ آیه: (آل عمران/۴۶ مائده/۱۱۰) واژه «عجوز»، در ۴ آیه: (هود/۷۲ شعراء/۱۷۱ صافات/۱۳۵ ذاریات/۲۹) تکرار شده و ترکیب «أَرْدَلِ- العُمُر» در ۲ آیه: (حج/۵ نحل/۷۰) و «وَهْنُ العَظْم» نیز در یک آیه: (مریم/۴) تکرار شده‌اند.

قرآن با کاربرد واژه‌های «شَیْب: سفیدی مو»، «شَیْخ: سالمند»، «کَبِیر: بزرگ سالی»، «کَهْل: میانسال» و ترکیب‌هایی مانند «أَرْدَلِ العُمُر: پست‌ترین دوره‌ی زندگی»، «وَهْنُ العَظْم: سست شدن استخوان»، به سالمندی اشاره کرده است.

در احادیث نیز با کاربرد همین واژه‌ها و دیگر واژه‌ها مانند: «هَرَم»، «مُسْن» و ترکیب‌هایی مانند: «طویل العمر» و «ذوشیبه: ریش سفید» همسو با قرآن کریم هستند.

۲-وظایف دولت نسبت به سالمند

در تعامل دولت‌ها با سالمندان، حاکمان باید خود را ملزم بدانند که رفاه فردی، اجتماعی و حمایت‌های مادی و معنوی این قشر را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند. زیرا شخص سالمند در مقطعی از زندگی‌اش که جوان بوده و توانایی داشته، دولت و مردم از او بهره برده‌اند و حال که به دوره ضعف و سستی رسیده و یا از کار افتاده شده، دولت می‌بایست نیازها و احتیاجات او را برآورده کند.

با افزایش تعداد سالمندان مسائل و مشکلات حمایتی، اجتماعی، توانبخشی و بهداشتی درمانی آنان نیز افزایش خواهد یافت. از وظایف دولت‌ها، تأمین رفاه اجتماعی، تضمین سطح زندگی آبرومندانه، امن و راحت، برای تمامی افراد از جمله سال‌خوردگان می‌باشد. حکومت وظیفه دارد در تأمین و رفع نیازهای مادی و معنوی آنان تلاش نماید و اجازه ندهد حقوق آنان پایمال شود.

۲-۱ ارائه خدمات ویژه و حمایت از رفاه اجتماعی و درمانی سالمند

دولت اسلامی وظیفه دارد هزینه زندگی و رفاه اجتماعی سالمند را تأمین کند و این وظیفه نه از باب ترحم، بلکه به دلیل حقی است که آن‌ها بر جامعه دارند. منشأ این حق آن است که سالمند در دوران جوانی و توانمندی، خدماتی به جامعه عرضه داشته، ولی در کِبَر سن و از کار افتادگی، قدرت جسمی لازم برای برطرف کردن نیازهای مادی خود را ندارد، از این رو دولت‌ها با ارائه خدمات ویژه و حمایت از رفاه اجتماعی، هم سبب قدرشناسی از سالمند است و می‌تواند تا اندازه‌ای از رنج آنان بکاهد و هم مایه‌ی دلگرمی کارکنان جوان کشور است تا با علاقه‌ی بیشتری، به خدمات خود به مردم و دولت، ادامه دهند. توجه آموزه‌های اسلامی به این موضوع حائز اهمیت است. قرآن کریم می‌فرماید: دختران حضرت شعیب گفتند: «وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص/۲۳) یعنی پدر ما دچار ضعف و ناتوانی گشته و سالخورده است و به تنهایی نمی‌تواند چهارپایانش را آب دهد از این رو دخترانش او را کمک می‌کنند. این نشانه‌ای است بر این که سالخوردگی خود عامل تخفیف در برخی از امور زندگی است. (محمدی، ۲۰۱۳: ۹۵) در این راستاست که هم خانواده و هم حکومت برای رفاه اجتماعی سالمند تلاش کنند.

سالمند نباید دغدغه درمان و دارو داشته باشد و از آنجایی که هزینه درمان برخی از سالمندانی که بیماری خاص دارند بالا بوده و خانواده از عهده تأمین آن بر نمی‌آید؛ لذا دولت اسلامی موظف است تلاش بیشتری برای توسعه کمی و کیفی خدمات درمانی و توسعه مراکز

ارائه خدمات درمانی، توانبخشی و مددکاری برای سالمندان و همچنین بهبود دسترسی به دارو و تجهیزات را به عمل آورد.

همچنین یکی از خدمات ویژه برای سالمندان، آموزش و مهارت‌آموزی خود سالمند و همچنین مراقبین وی می‌باشد که گاهی نیازمند کمک حکومت برای ایجاد مراکز آموزشی و تامین حداقل هزینه‌ها و نیازهای اساسی سالمندان با حفظ احترام و شأن و حرمت آنها می‌باشد.

۲-۲ تأمین حداقل حقوق و دستمزد برای سالمند

برنامه‌ریزی حکومت در راستای تأمین حداقل حقوق و دستمزد برای سالمندان علاوه بر اینکه موضوعی انسانی و اخلاقی است، می‌تواند تأثیر مثبتی بر روحیه جوانان شاغل به کار داشته باشد، چراکه آنان آینده خویش را در چهره سالمندان امروز مشاهده می‌کنند. در منابع روایی نقل شده که حضرت علی علیه السلام با مشاهده یک پیرمرد از کارافتاده، دستور می‌دهد خرج او از بیت‌المال پرداخت شود. (الطوسی، ۱۴۰۱: ۶/۲۹۳ ح ۸۱۱) این روایت نشان می‌دهد که تأمین حداقل حقوق برای سالمند از صدر اسلام مورد توجه بوده و می‌توان آن را از محل منابع بیت‌المال پرداخت کرد. پرداخت مستمری به سالمندان از بیت‌المال، نه به عنوان انفاق و بخشش، بلکه حقی برای ایشان به شمار می‌رود.

۲-۳ ایجاد کار در شأن سالمند

آیه «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) می‌تواند مهر تاییدی بر اهمیت کار و تلاش باشد. گرچه سیاق این آیه، حاکی از بهره‌مندی انسان در قیامت از نتیجه سعی و تلاش خود می‌باشد، ولی معنای عام نیز از آن برداشت می‌شود که شامل کار و تلاش برای تمام افراد جامعه است.

از نگاه اسلام بیکاری و عزلت‌گزینی برای هیچ‌کس و در هیچ دوره سنی تجویز نشده است هر انسانی در هر دوره سنی با توجه به توانمندی‌ها باید فعالیت داشته باشد. از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «کسی که بتواند کار کند ولی سر بار جامعه باشد از رحمت خدا بدور است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۴۱۴۰۷) در این راستا از جمله انتظارات سالمندان از حکومت، ایجاد امور و کارهایی در شأن آنهاست.

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که بیشتر سالمندانی که به گونه‌ای سرگرم کار هستند

و از توانایی‌های خود در برخی کارها به طور شایسته بهره می‌گیرند، از روحیه و اعتماد به نفس بهتری برخوردارند و احساس رضایت بیشتری از خود دارند. (شیخی و جواهری، ۱۳۹۷: ۵۵) بنابراین داشتن فعالیت و اشتغال مفید و متناسب با روحیه‌ی سالمند، یکی از امور ضروری در این دوران است و شایسته است سالمندان دارای توانایی کار، به انجام کارهای سبک و در حد توان خود، تشویق شوند که این کار از نظر اقتصادی و روحی برای آنان سودمند است.

دولت می‌تواند با فراهم آوردن شرایط اشتغال سبک و مناسب با توانایی‌های جسمی و روحی سالمندان در جهت تقویت اعتماد به نفس، شناخت مجدد استعدادها، بهبود وضع مالی آنها اقدام نماید. به عنوان مثال مشاغلی چون امور مشاوره و راهنمایی، مسئولیت پارک‌ها، نمایشگاه‌ها، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، ورود و خروج کارکنان، پخش بلیط و... کنار گذاشتن سالمندان و محدود کردن اختیارات و کاهش مسئولیت‌های آن‌ها فقط باعث کاهش رضایت آن‌ها از زندگی و تقویت این باور عمومی منفی در مورد ناتوانی و سربار بودن آنها است.

۲-۴ حفظ شأن و حرمت سالمند

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در منشور حکومتی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «وَتَعَهَّدْ... وَذَوِي الرِّقَّةِ فِي السِّبِّ مَن لَّا حِيلَةَ لَهُ وَلَا يَنْصِبُ لِمَسْأَلَةِ نَفْسِهِ وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ...» توجه کن به سال - خوردگانی که دستشان از همه جا کوتاه است و دست خواهش به سوی کسی دراز نمی‌کنند گرچه انجام این امور (درباره قشر محروم و نیازمند) بر زمامداران سنگین است (شهیدی، ۱۳۷۵: ۳۳۶/۱)

تعبیر «ذَوِي الرِّقَّةِ فِي السِّبِّ» اشاره به پیران از کار افتاده است و می‌تواند از این جهت باشد که «رقت» گاه به معنی ضعف و ناتوانی و نازک دلی آمده؛ یعنی آن‌ها به سبب سن زیادشان ناتوان و افتاده شده‌اند و دیگر مانند جوان توانمند نیستند. عبارت «وَلَا يَنْصِبُ لِمَسْأَلَةِ نَفْسِهِ» اگر تنها وصف پیران باشد اشاره به این است که آن‌ها به واسطه‌ی کبر سن سؤال و تقاضا را در شأن خود نمی‌دانند و خود را در موضع‌گدایی قرار نمی‌دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۶۷/۱۱) همان‌طور که در قرآن کریم درباره‌ی گروهی از نیازمندان آمده است: «... لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا» (بقره/ ۲۷۳) یعنی آنها چنان بزرگواری که هرگز با اصرار از مردم چیزی طلب نمی‌کنند به این معنا که اگر هم سؤال کنند با لطف و خوشی است. در حقیقت کریم کسی است که قبل از درخواست، بخشش کند و دیگران را از ذلت طلب معاف کند. در ادامه‌ی روایت امام با توجه به توصیه‌هایی که درباره افشار نیازمند جامعه بیان کرد، می‌فرماید: «ذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ» این تعبیر شاید اشاره به این

باشد که در کار نیازمندان دقت بیشتری انجام گیرد و این دقت با توجه به کثرت نیازمندان در جوامع انسانی کار سنگینی است.

پس شایسته است طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام با شناسایی سالمندان نیازمند و با طبقه‌بندی آنان از نظر اقتصادی و اولویت‌سنجی، خدمات لازم در حد توانایی و امکانات کشور، از سوی حکومت به آنان ارائه و شأن و حرمت آنان نیز حفظ شود.

شواهد تاریخی بیانگر ضرورت نیازسنجی حکومت جهت حمایت از سالمندان است. در صدر اسلام، در میان «اهل صفه»، سالمندانی بودند که خویشاوندی نداشتند و پیامبر خرجی آنان را از بیت‌المال می‌پرداخت. سیره امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نیز چنین بوده که شب‌ها از فکر مستمندان، ضعیفان و سالمندان جامعه، آرام و قرار نداشتند. زمانی که مردم در خواب بودند، آنان با کوله‌هایی از غذا به سراغ پیران و بینوایان و نیازمندان می‌رفتند و آذوقه‌شان را فراهم می‌آوردند. (بافکار، ۱۳۸۱: ۴۲)

۲-۵ اختصاص مراکز ویژه برای سالمند

در دین ما بر تکریم سالمندان تأکید بسیار شده که لزوم فرهنگ‌سازی با توجه به آموزه‌های دینی در راستای خدمت به سالمندان امری ضروری است. تامین مسکن در شأن سالمند و مناسب‌سازی فضاهای شهری برای حضور سالمندان باید یکی از اولویت‌های مهم حوزه عمرانی و شهری باشد تا سالمندان بتوانند همچون سایر رده‌های سنی از خدمات شهری، ورزشی و تفریحی و زیارتی داخل شهر به راحتی و با کمترین مشکل استفاده کنند.

لازم به توضیح است مطلق بزرگ‌سال بودن وظایفی را برای دیگران بوجود می‌آورد، اعم از اینکه این فرد سالمند، قوم و خویش باشد یا نباشد؛ اگر قرابت و خویشاوندی وجود داشته باشد، طبیعتاً رعایت حقوق هم بیشتر می‌شود. اما در مورد سالمندی که از خویشان و نزدیکان فرد نیست، نکته‌ای قابل تأمل است، که به امور معیشتی و زندگی سالمندان مرتبط است.

در این راستا حکومت شایسته است برای سالمندانی که به هر نحوی نمی‌توانند خانه‌ای مستقل داشته باشند و یا در کنار خانواده زندگی کنند، مکانی مناسب با عنوان «سرای سالمندان» اختصاص دهد. لذا بر مبنای اینکه بخشی از مصرف بیت‌المال برای قشر نیازمند و آسیب‌پذیر است، اگر واقعاً سالمندان مستقر در این مراکز، نزدیکان و فرزندان ندارند، حکومت می‌تواند بخشی از هزینه‌های این عزیزان را تقبل کند و این همان توجه و سفارشی است که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره سالمند فرمودند: «أَنْفِقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» (الطوسی، ۱۴۰۱-

۶/۲۹۳)، که حکومت باید از این افراد حمایت و نیازهای آنان را تأمین کند. اما اگر این سالمندان دارای خویشان و فرزندان هستند، این‌گونه برخورد با آنان جز بی‌اعتنایی و کشتن روح عطوفت و مهربانی حاصلی نخواهد داشت. متن مفصل حدیث در مبحث (توجه به سالمند غیر مسلمان) خواهد آمد.

سالمند به دلیل ویژگیهای جسمی و سنی خود انتظار دارد علاوه بر این که در کنار خانواده اش هست، مکان‌ها و فضاهای شهری ویژه، برای او در نظر گرفته شود که با روحیه و رفتار او سازگار باشد. سالمند در چنین مکان‌هایی می‌تواند به آرامش روحی برسد و با پرداختن به مطالعه و پر کردن اوقات فراغت، ورزش، تفریح و برقراری ارتباط عاطفی با هم‌سالان خود، رنج روزهای پیشین زندگی را از تن به درکند.

مدیران شهری باید فضاها و مبلمان شهری را طوری بهینه‌سازی کنند که نشان‌دهنده یک شهر دوستدار سالمند باشد. آن‌ها برای ایجاد انگیزه‌های لازم برای هم‌گرایی افراد سالمند، به ایجاد فضاهایی جهت اشتغال، فعالیت‌های ورزشی، تفریحی و فرهنگی در محلات مختلف، متناسب با سن و جنسیت و روحیه‌شان و برگزاری سفرهای زیارتی و سیاحتی بپردازند تا سالمندان بتوانند از این امکانات بدون صرف هزینه از جیب خود استفاده نمایند تا سطح سلامت جسمی، روحی و امید به زندگی در آنها بالا رفته و افسردگی و بیماری‌های ناشی از آن گریبان‌گیر آن‌ها نشوند.

۲-۶ بهره‌گیری از توانمندی سالمند در تصمیم‌گیری‌های کشور

آنچه بیشتر از حمایت‌های مالی می‌تواند موجب دلگرمی و مسرت سالمندان و از جمله بازنشستگان گردد، ایجاد احساس مشارکت و مفید بودن در آنان است. دولت‌ها می‌توانند با تدارک برنامه‌هایی خاص این احساس را در پیران به وجود آورند و همچنین از تجربیات ذی‌قیمت آنان در جهت بهبود بسیاری از امور کشور استفاده کنند. همان‌طور که رای و نظر پیران نزد حضرت علی علیه السلام دوست داشتنی‌تر از چاره‌اندیشی جوان است. «رَأَى الشَّيْخَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَيْلَةِ الشَّبَابِ» (ری شهری، ۱۳۹۳: ۴۰/۴) با این دیدگاه، مدیران و مسئولان نبایستی صرفاً از روی ترحم و دلسوزی به ارتباط با سالمندان مبادرت ورزند بلکه واقعاً آنان را مؤثر و مفید برای جامعه قلمداد کرده از فکر، نظر، تجربه آنان استفاده نمایند و تا پایان عمر با این افراد ارتباطی فعال و پویا برقرار نمایند.



۲-۷ توجه به سالمند غیر مسلمان

روایتی نقل شده که؛ «مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا هَذَا؟ فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، نَصْرَانِيٌّ. فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ اِسْتَعْمَلْتُمُوهُ، حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ؟! أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» (الطوسی، ۱۴۰۱: ۶/۲۹۳، ح ۸۱۱) از مقابل حضرت علی ﷺ پیرمردی نابینا که در حال گدایی بود، عبور کرد. امیرالمؤمنین فرمود: این کیست؟ گفتند: یا امیرالمؤمنین! او یک نصرانی است. امیرالمؤمنین فرمود: او را به کار گرفتید تا پیر و ناتوان شد. آنگاه از او دریغ می‌کنید؟ از بیت‌المال به وی انفاق کنید.

این روایت به روشنی دلالت دارد که حکومت اسلامی موظف به تأمین هزینه زندگی سالمندان غیر مسلمان است، این حق آن‌ها است، زیرا شخص در مقطعی از زندگی که توانایی داشته خدماتی را به جامعه عرضه کرده و بعد از اینکه از کار افتاده شد، حکومت موظف است در مقابل خدمات او نیازهای اساسی او را در دوره سالمندی برآورده کند. این، حق مسلم سالمندانی است که به جامعه‌ی اسلامی خدمت کرده‌اند.

از این رو، حکومت بدون ملاحظه اعتقادات مذهبی و گرایش‌های فکری سالمند، باید به آن پایبند باشد. از همین رو در کتاب «اقتصادنا» شهید صدر تصریح می‌کند که «برخی از فقها مانند شیخ حرّ عاملی فتوا داده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۶۶) که ضمانت دولت در برابر تأمین هزینه‌ی سالمند از بیت‌المال، به مسلمان اختصاص ندارد.» (صدر، ۱۳۹۳: ۶۶۸۱۳۹۳ به نقل از ری-شهری، ۱۳۹۶: ۱۲۰) یعنی تفاوتی میان سالمند مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد و پیروان همه ادیان و مذاهب از این حق برخوردار می‌شوند.

۳- وظیفه خانواده، جامعه و عموم مردم نسبت به سالمند

در فرهنگ غنی ایرانی و همچنین در آموزه‌های دینی، احترام و حفظ کرامت سالمندان مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. سالمندان از برکات جامعه هستند و تعظیم و تکریم آنان موجب تحکیم ارزش‌ها و روابط اجتماعی است و سبب می‌شود که آنان از ضررها و لطمات روحی و روانی فاصله بگیرند و کمتر احساس تنهایی کنند.

از جمله رفتارهای شایسته‌ای که در روایات ائمه معصومین ﷺ در تعظیم و تکریم پیران و سالمندان جامعه تأکید شده است می‌توان به این موارد اشاره کرد.

۳-۱-۱ مقدم شدن در سلام کردن

سلام کردن، امری مستحب و نشانه دوری انسان از تکبر است. سلام کردن، بزرگ و کوچک ندارد و هرکس می‌تواند برای بهره‌مندی بیشتر از ثواب، ابتدا سلام کننده باشد، ولی بهتر است برای احترام به بزرگترها، همواره کوچکترها آغازکننده سلام باشند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَسْلَمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۴۶۳)

۳-۱۲-۳ اکرام سالمندان در مجامع عمومی و خصوصی

اکرام بزرگ سال یعنی او را نه تنها در ظاهر بزرگ شمردن بلکه او را در عمل هم عزیز و گرامی دانستن است، با احترام از او حمایت شود و حریم و حقوقش مورد تجاوز قرار نگیرد. از رفتارهای مناسب با بزرگسالان، تکریم و احترام آنان در مجالس، مهمانی‌ها و مکان‌های عمومی است. در حکایتی آمده است: پیرمردی برای رفع نیازش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. کسانی که در محضر او بودند، احترامش نکردند و اطرافیان در گشودن جا برای پیرمرد گندی کردند. حضرت از این رفتار خلاف ادب آنان ناراحت شد و خودشان بلند شده و جا برای پیرمرد باز کرده و آنگاه فرمود: «ازما نیست کسی که بر خردسال ما رحم نکند و بزرگ سال ما را تکریم ننماید» (وژام، ۱۴۱۰: ۳۴/۱)

از دیگر مواردی که عموم مردم در تعامل با سالمند لازم است رعایت کنند، جادادن افراد سالمند در هنگام ورود به محافل خانوادگی و مجالس عمومی است و حتی برخاستن به قصد احترام ایشان و نشان دادن آن‌ها بر صدر مجلس جزو مکارم اخلاقی به شمار می‌آید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ...» (مجادله ۱۱/۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون شما را گویند در مجالس جای باز کنید، جای باز کنید تا خدا در کار شما گشایش دهد...

«تفَسَّحُوا» از ماده «فسح» به معنای مکان وسیع است، بنابراین «تفسح» به معنای توسعه دادن و یکی از آداب مجلس است که وقتی تازه واردی داخل می‌شود حاضران جمع و جور بنشینند، و برای او جا باز کنند؛ چرا که گاه تازه واردها از شما برای نشستن سزاوارترند؛ به دلیل کهولت سن، و یا احترام خاصی که دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳/۴۳۹) این جا است که باید حاضران ایثار کنند و این ادب اسلامی را رعایت نمایند.

در فرهنگ اسلامی - ایرانی، وقتی بزرگی بر گروهی وارد می‌شود او را گرامی می‌دارند، این گرامی داشتن شامل؛ برخاستن از جای خود، ادای احترام و جا باز کردن و... می‌شود. اما متأسفانه این امر تا حدودی در جامعه امروزی ما بسیار کم‌رنگ شده است. حضرت رسول - اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مجلس را جز برای سه نفر نگشایند: سالمند به خاطر سَنَسْ، دانشمند به خاطر علمش و قدرتمند به خاطر قدرتش» (کلینی، ۲۱۴۰۷/۳۶۰)

۳-۳ مقدم کردن سالمند در سخن گفتن

از دیگر مصادیق تکریم سالمند در روایات، سخن نگفتن پیش از بزرگ سال است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: دو مرد پیر و جوان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و جوان پیش از پیر مرد شروع به سخن کرد، پیامبر ص فرمود: «اول بزرگ تر صحبت کند» (الطبرسی، ۱۴۱۸: ۲۹۴/۱)

وقتی با افراد بزرگسال سخن می‌گوییم، تلاش کنیم سخنان آنان را خوب بشنویم و گوش کنیم، اگر در جمعی سالمندی حضور دارد اجازه دهیم ابتدا وی سخن را آغاز کند و برای گفته‌ها و نظرات آن‌ها ارزش و احترام قائل شویم هرچند موافق نظر ما نباشد. خوب صحبت کردن با افراد سالمند، لحن، تن صدا، کلمات و جملاتی که ما استفاده می‌کنیم اهمیت دارد، همه‌ی اینها از مصادیق ادب اجتماعی و احترام به بزرگسال است.

۳-۴ گوش سپردن به سخنان سالمند

بزرگ‌ترها به دلیل تجربه‌هایی که دارند، حرف‌های ارزشمند منطقی برای گفتن دارند. از این رو، نباید از کنار

حرف‌های درست و منطقی آنان بی‌اعتنا گذشت. پس باید به حرف‌ها و درد دل‌های آنان به مهربانی گوش سپرد. گوش دادن فعالانه و موثر چیزی بیش از شنیدن ساده است و در واقع همدلی با سالمند است. همدلی با سالمند یعنی خودمان را جای فرد سالمند بگذاریم و بفهمیم که او در موقعیت‌های مختلف چه فکر یا احساسی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره با افراد سالمند چنین بود. به حرف‌های آنان گوش می‌داد و به مهربانی پاسخ می‌گفت. عدی بن حاتم طایی در احوالات رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گوید: «به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم، مرا به خانه‌اش برد. در بین راه، زنی سالمند و ناتوان سر راهش آمد و خواسته‌ها و حاجات خود را به پیامبر بیان کرد. در مدتی که آن زن سخنان خود را می‌گفت آن

حضرت روی پا ایستاده بود و به حرف‌های او با دقت گوش می‌کرد و با کمال مهربانی به او جواب می‌داد.» (صحفی، ۱۳۶۲: ۱۴۸)

۳-۵ مقدم شمردن سالمند در امر امام جماعت

یکی از شرایط حق تقدم امام جماعت «مسن بودن فرد» است. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید چه کسی امام جماعت باشد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «آن که قرآن بهتر می‌خواند؛ و اگر در قرائت یکسان بودند، آن که در هجرت مقدم تر است؛ و اگر در هجرت نیز یکسان بودند؛ آن که سنش بیشتر است؛ و اگر همسن بودند، آن که به سنت داناتر و در دین فقیه تر است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۳۷۶)

قابل ذکر است؛ مطلق سالمند بودن معیاری برای مقدم شدن سالمند در امر امام جماعت، مد نظر نیست بلکه علاوه بر برتری در قرائت قرآن و تقدم در اسلام که در روایت ذکر شده، معیارها و شرایط دیگری که برای امام جماعت بیان شده باید مورد توجه قرار گیرد.

۳-۶ رعایت حال سالمند در نماز جماعت

از دیگر سفارش‌های ائمه معصومین علیهم السلام برای تکریم سالمند رعایت حال سالمندان در نماز جماعت است. کسی که پیش نماز می‌شود باید نماز را کوتاه و مختصر کند، زیرا ممکن است پشت سرش سال خورده و یا ناتوانی اقتداء کرده باشد.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هرگاه یکی از شما پیش نماز مردم می‌شود، نماز را کوتاه کند که میان آنان، خردسال و بزرگسال و ناتوان و بیمار هست و چون تنها نماز می‌خواند، هرگونه خواست، نماز بخواند.» (الحجاج القشیری، ۱۴۱۲/۳۴۱) امام صادق علیه السلام نیز در مورد تعداد تکبیرهای نماز توصیه می‌فرماید: «وقتی تنها هستی، سه تکبیر کافی است و هرگاه پیش نماز هستی، یک تکبیر کفایت می‌کند؛ زیرا با تو [در میان مأمومان] افراد گرفتار و ناتوان و سال خورده نیز وجود دارند» (صدوق، ۲۱۳۸۵: ۳۳۳)

۳-۷ پیشی نگرفتن از سالمند

وقتی بزرگسالی با ما زندگی می‌کند، باید مراقب حال او باشیم، چون دوره سالمندی همراه باضعف جسمانی، کم‌توانی و بیماری است در نتیجه بر سرعت، حرکت، فعالیت، حتی سرعت صحبت کردن، سنگین شدن گوش سالمند اثر می‌گذارد، لذا بر دیگران لازم است که سالمندان

را با همین ویژگی‌ها مدنظر داشته باشند و در تعامل و رفتار با آنان خود را هم نیرو و در حد توان ایشان قلمداد کرده و از سرعت حرکتی، کلامی خود بکاهند، جلوتر از سالمند راه نروند و در راه رفتن برایشان پیشی نگیرند، در خوردن و آشامیدن آنان را مقدم بدانند. سبقت گرفتن در هیچ کاری بر بزرگ سال جایز نیست؛ مثلاً اگر سفره‌ای گسترده است، مادام که بزرگان خانه، اعم از مرد یا زن، پیرمرد یا پیرزن، شروع به خوردن نکرده‌اند دیگران و کوچک‌ترها شروع نکنند. از ابن عباس نقل شده است؛ پیامبر در هنگام نوشیدن آب بزرگان را بر خود مقدم می‌داشت. «إِذَا سَقَى قَالَ: «ابْدِءُوا بِالْكَبِيرِ، أَوْ بِالْأَكْبَرِ» (الطبرانی، ۱۴۱۵: ۱۲۹/۴)

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «...در هیچ کار بر بزرگ سال سبقت نگیرید و به هنگام راه رفتن از او پیشی نگیرید» یعنی پیشاپیش او راه نروید. (یثربی، ۱۳۹۰: ۴۰۱/۳)

۳-۸ عدم مجادله و موضع‌گیری در برابر سالمند

یکی از مصادیق تکریم سالمند این است که هرگز خود را با بزرگ سال در موضع مخالفت و دشمنی قرار ندهی؛ (یعنی هنگام بگو و مگو و مجادله با ایشان کوتاه بیایی)، چراکه به طور طبیعی انسانی که عمری از او گذشته، انتظارات و توقعات بیشتری از دیگران پیدا می‌کند و ممکن است به دلیل داشتن این روحیه طبیعی، همیشه خود را از دیگران طلبکار ببیند؛ که گاهی منتهی به عداوت و دشمنی و مخاصمه و درگیری می‌شود و چون احتمال دارد این روحیه، او را به سمت وسوی درگیری با دیگران بکشاند، طبعاً احترام او اقتضا می‌کند که دیگران با او درگیر نشوند و با او از در مخاصمه، جدل و دشمنی درنیایند.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «حق بزرگسال این است که، هنگام دشمنی، از رویارویی با سالمند بپرهیزی»، پس بهتر است درجایی که درگیری و جنگی بین افراد بزرگ‌تر و کوچک‌تر پیش می‌آید، افراد جوان‌تر به احترام سن و سال بزرگ‌تر، از موضع‌گیری در برابر آنان خودداری کنند و از اشتباه‌هایشان درگذرند. (یثربی، ۱۳۹۰: ۴۰۱/۳)

۳-۹ بهره‌مندی از تجربه سالمند و مشورت با وی

وجود پیر و سالمند چه در خانواده و چه در جامعه به مثابه آن است که به شخص بگویند این زمین با همه‌ی محصولی که داده در اختیار تو باشد و تا محصول از بین نرفته تمام محصول را برای خودت درو کن، حال اگر محصولی که تمام زحمات کاشت و داشت آن انجام شده و برای برداشت آماده است را در اختیار کسی قرار دهند غیرعقلانی است که آن را رها کرده تا

گذشت روزگار آن را از بین ببرد. استفاده از تجربیات سالمند می‌تواند مصداق ره صد ساله را یک شبه پیمودن باشد.

وجود سالمند باتجربه در جامعه‌ی اسلامی نیز، مایه‌ی خیروبرکت است. چنین سالمندی حق دارد از افراد اجتماع خود انتظار داشته باشد و برای خود، حقوقی قائل شود؛ زیرا اجتماع سالم، آباد و آزاد امروز، نتیجه‌ی تلاش‌های بی‌منت و خالصانه‌ی افرادی هم چون اوست. بسیاری از جوان‌ها در برابر تجربه پیران و بزرگان احساس بی‌نیازی می‌کنند و برائین پندار غرورآمیز، سال‌ها از عمر خود را در کسب تجربه‌ای می‌گذرانند که می‌توانستند سال‌ها پیش، بدون صرف وقت و به‌رایگان، آن را از بزرگان، بی‌منت به دست آورند.

هیچ‌کس بی‌نیاز از تجربه بزرگان و پیش‌کسوتان نیست؛ طبق فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام «کسی که خود را از تجربه‌ها بی‌نیاز بداند، سرانجام [امور] را نخواهد دید» (تمیمی آمدی، ۶۳۰/۱۱۳۶۶) سالمندان، کوله‌باری از تجارب را بر دوش دارند. از این رو می‌توانند آن آموخته‌های گران‌بها را در اختیار جوانان قرار دهند که در هر تجربه‌ای نصیحتی نهفته است و بدین مناسبت بر حرمت و عزت خویش بیفزایند.

حضرت علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «هر امر مشکلی [که کمک لازم دارد] به داشتن تجربه‌ها نیازمند است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۷۵) کسی نمی‌تواند تمام کارها را خود تجربه نماید، بلکه بهتر است از حاصل تجربه دیگران استفاده کند. باید تجارب دیگران را مطالعه کند و راه و روش‌هایی که آنها طی کرده‌اند را بیاموزد و به رأی و نظرشان احترام بگذارد. حضرت علی علیه السلام تدبیر و اندیشه پیر را از دلیری جوان (سرعت عمل) بهتر می‌داند زیرا جوان بر اثر کمی تجربه ممکن است مغرور شده خود و یارانش را تباه سازد. (شهیدی، ۳۷۴/۱۱۳۷۵)

برای رعایت مسائل روحی سالمندان لازم است در مسائل مهم با ایشان مشورت شود تا احساس نکنند که دیگران آنان را ترك کرده‌اند. مشورت با بزرگسالان به نوعی معنای شخصیت دادن به کسانی است که صاحبان عقل و تجربه‌اند. حضرت علی علیه السلام صاحبان عقل و تجربه را برترین افراد برای مشورت کردن برمی‌شمارد. «خَيْرُ مَنْ شَاوَرْتَ دُؤُومُ النَّهْيِ وَالْعِلْمُ وَأَوْلُو التَّجَارِبِ وَ الْحُزْمُ» (تمیمی آمدی، ۶۳۰/۱۱۳۶۶)

حضرت علی علیه السلام علاوه بر اینکه مشورت کردن با جوانان را در رأس قرار می‌دهد، ولی توصیه می‌فرماید درباره آن موضوع با پیران جامعه هم رایزنی کنید تا عیبش را به سبب تجربه‌ای که دارند پیدا کنند. «هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه نما، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. بعد نتیجه آن را به نظر میان سالان و پیران برسان تا

پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، زیرا که تجربه آنان بیشتر است.» (ابن ابی الحدید، ۲۰۱۴۰۴/ ۳۳۷ ح ۸۶۶) مشورت با کسانی که اهل تجربه‌اند می‌تواند انسان‌ها را از خطاهای گذشتگان مصون دارد و به درستی‌ها رهنمون سازد، در فرهنگ عامه نیز داریم که؛ «جز به تدبیر پیر کار مکن».

۳-۱۰ بردباری در مقابل خواسته‌های سالمند

مصادق دیگری از تکریم سالمند این‌که انسان باید افراد بزرگ‌سال و سالمند را به منزله اهل بیت خود بداند «أَنْ تَجْعَلَ الْمُسْلِمِينَ مِمَّنْزِلَةِ أَهْلِ بَيْتِكَ فَتَجْعَلَ كَيْبَرَهُمْ مِمَّنْزِلَةِ وَالِدِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۶/۷۱) نباید توقعات زیاد و بی‌جایی از آنان داشته باشد، بلکه باید در همه امور او را احترام کند و اگر احیاناً به دلیل سن و سال بالا و ضعف قوای جسمی و روحی، سخن نامربوطی به زبانش جاری شد، که از سالمند انتظار ندارد، نباید با وی برخورد کند؛ باید گفتار وی را تحمل کرده و پذیرا باشد و از واکنش سوء بپرهیزد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «ناپذیردانه با بزرگ‌سال برخورد نکنی؛ و چنانچه او جهالت ورزید، تحمل کنی» (بثربی، ۱۳۹۰: ۴۴/۳) البته بزرگ‌ترها هم باید به گونه‌ای آگاهانه رفتار کنند تا واکنش جوانان را در پی نداشته باشد، ولی بهتر است کوچک‌ترها به دلیل تقدّم بزرگ‌ترها در اسلام، در برابر نادانی‌ها یا توهین و اهانت‌های آنان صبور و بردبار باشند.

۳-۱۱ احترام نگه داشتن در امر آموزش به سالمند

بزرگ‌سالان به واسطه شرایط جسمانی و روحی خاصی که دارند و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، حافظه، نحوه فراگیری، تجارب آموخته‌شده و سایر جنبه‌های روان‌شناسی تفاوت‌هایی با کودکان، جوانان دارند که با در نظر گرفتن این شرایط آموزششان دارای ویژگی‌های خاص است. باید توجه داشت در آموزش یا تذکر و یادآوری مطلبی به بزرگ‌سالان مراعات سن آن‌ها بشود؛ رعایت احترام و ادب در آموزش سالمند ضروری است.

در آموزش به سالمند باید مراقبت کرد که او را به خاطر ضعف و سستی که از ویژگی‌های این دوره است مورد تحقیر، تمسخر، سرزنش و عیب‌جویی قرار نگیرد. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۳۳۴۴/۶) اگر اشتباهی در اعمال و یا افکار سالمند ملاحظه می‌شود به‌طور صریح به او تذکر داده نشود و معایب و خطاهایش به رخ کشیده نشود. بلکه با لحنی خوشایند و بی‌غرض و غیر صریح اشتباهش تذکر داده شود. اگر بزرگ‌سال مرتکب خطا شد غرور او را جریحه‌دار نکنید، زیرا نفس

آدمی برایش عزیز و گرامی است و لذا اجازه نمی‌دهد کسی خدشه‌ای به آن وارد آورد. در روایتی که از برخورد حسنین علیهما السلام با پیرمرد جاهلی آمده (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۳۱۹) چند نکته نهفته است؛ اول اینکه تعلیم مسائل و ارشاد فرد ناآگاه، واجب است؛ اما اگر مستقیماً به پیرمردی گفته شود که: «وضوی تو، صحیح نیست»، گذشته از این که موجب رنجش خاطر او می‌شود، برای همیشه خاطره‌ی تلخی از وضو خواهد داشت پس حسنین علیهما السلام تصمیم گرفتند غیرمستقیم، وضو را آموزش دهند. در واقع ایشان حیا کردند که این مطلب را مستقیماً به او بگویند. بلکه خود مشغول به وضو گرفتن شدند و از آن پیرمرد خواستند تا قضاوت کند که کدام یک درست تر وضو می‌گیرند. نکته بعد اینکه ایشان با رعایت احترام و ادب پیرمرد را امر به معروف کردند.

۳-۱۲ تقدم معلّم مسن در امر آموزش معارف دینی و مذهبی

در روایتی آمده است که دو برادر نامه‌های جداگانه‌ای به امام‌های علیهم السلام نوشتند و از ایشان سوال کردند که معارف دینمان را از چه کسی فرا بگیریم؟ امام به هر دو نوشت: «فَاعْتَمِدَا فِي دِينِكُمَا عَلَى مُسِنٍ (کبیر) فِي حُبِّنَا وَكُلِّ كَبِيرٍ التَّقَدُّمِ فِي أَمْرِنَا...» (الکشی، ۱۴۰۹: ۵/۱) در دینتان به بزرگسالی که در را محبت ما (اهل بیت) و نیز هر کس که در امر ولایت تلاش فراوان کرده است، روی بیاورید.

آنچه از این روایت می‌توان دریافت اینکه در امور دین به سالخوردگان عالمی که محبتشان نسبت به اهل بیت علیهم السلام بیشتر است و کسانی که در ولایت اهل بیت سابقه بیشتری دارند (در این راه پیر و با تجربه شده است) اعتماد کنید و معارف دینی خود را از آنها کسب کنید. آنچه در این روایت کمتر بدان توجه شده، عبارت کل کبیر التقدّم فی حیننا است که بر اساس آن می‌توان گفت: برای تحصیل علوم دینی و معارف اهل بیته، معلّم مسن تر تقدم دارد.

۴- نتیجه‌گیری

«بزرگی سن و سال» یک معیار ارزشی است و صرف بزرگ سال بودن، فرد را شایسته احترام می‌کند.

در قرآن و منابع روایی در مورد تعامل با افراد بزرگ سال و سالمند سفارش‌هایی ارائه شده است تا افراد جامعه و دولتمردان رفتار خود را براساس آن‌ها تنظیم کند. این توصیه‌ها می‌توانند نقش راهبردی و جهت‌گیری کلی رفتار با سالمند را به ما نشان دهند.

تکریم سالمند توسط دولت و مردم موجب رضایت خاطر، شادابی و احساس امنیت اوست. همچنین پرخاشگری سالمند کمتر شده، عزت نفس وی بالا رفته، محبت و عواطفش نسبت به اطرافیان افزون تر می شود.

برخی راهبردهای مطرح شده در منابع دینی برای تعامل با سالمند در حوزه وظیفه دولت عبارتند از: ارائه خدمات ویژه و حمایت از رفاه اجتماعی و درمانی به سالمند، اختصاص حقوق و دستمزد و مراکز ویژه برای سالمند، و بهره‌گیری از توانمندی و تجربه سالمند در تصمیم‌گیری‌های کشور و ایجاد کار در شأن آن‌ها می باشد.

اما وظیفه مردم نسبت به سالمند عبارتند از: تعظیم، تکریم و احترام سالمندان، بردباری در مقابل خواسته‌های سالمند، گوش سپردن به سخنان وی، بهره‌مندی از تجربه سالمند و مشورت با وی، عدم موضع‌گیری در برابر سالمند، و مقدم شمردن معلّم مسن در امر آموزش دینی و مذهبی.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه: ترجمه: شهیدی، جعفر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چهاردهم، ۱۳۷۸ش.
- صحیفه سجادیه: ترجمه: آیتی، عبدالمحمد، سروش، تهران، دوم، ۱۳۷۵ش.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، «علل الشرائع»، کتابفروشی داوری، قم: ۱۳۸۵ش
 ۲. ابن فارس، احمد، «مقایس اللغه»، مصحح: هارون، عبدالسلام، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، اول: ۱۴۰۴ق
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، سوم: ۱۴۱۴ق
 ۴. ابوالحسین ورام، «تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ وَ تَزْهَةُ النَّوَاطِرِ»، عطایی، محمدرضا، مکتبه الفقیه، قم: ۱۴۱۰ق
 ۵. ابن ابی الحدید، (عبدالحمید بن محمد المعتزلی)، «شرح نهج البلاغه» تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث، دوم، ۱۳۸۷ق.
 ۶. ابراهیمی، مهدی، «نگاهی به پژوهشهای رفاه اجتماعی در ایران با تمرکز بر مقالات علمی- پژوهشی در دوره زمانی ۹۳-۱۳۸۰»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵، ص ۳۷-۵، بهار ۱۳۹۴ش
 ۷. بافکار، حسین، «سایبان مهر»، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، قم: اول، ۱۳۸۱ش
 ۸. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، «رساله نوین، احکام و موضوعات اقتصادی، ترجمه بخشهایی از تحریر الوسیله امام خمینی» تهران، ناشر انجام کتاب، تهران، اول، ۱۳۶۳ش
 ۹. بهرامی، فاضل و رمضانی فرانس، عباس، «بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث»، فصلنامه سالمندی، ش ۱۱، دوره ۴، بهار ۱۳۸۸ش.
 ۱۰. بذرافشان، شهرزاد، «حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی سالمندان»، کنفرانس جهانی افق- های نوین در علوم انسانی، آینده پژوهی و توانمند سازی، ۱۳۹۴ش
 ۱۱. البخاری الجعفی، محمد، «صحیح البخاری»، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، چهارم، ۱۴۱۰ق.
 ۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد، «عُرر الحکم و دُرر الکلم» مصحح: رجائی، سید مهدی، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۳۶۶ق

۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصحاح»، مصحح: عطار، احمد، بیروت: دارالعلم الملايين، اول ۱۳۷۶ق.
۱۴. حاجی نژاد، علی محمد، «حمایت از افراد کهنسال در فقه اسلام و حقوق کیفری ایران»، موسسه حقوق و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۷ش
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، «بَابُ أَنْ نَفَقَةَ النَّصْرَانِي...» اول: ۱۴۰۹ق
۱۶. خاشکی، رضا، «جایگاه و تصویر سالمندان در فرهنگ مردم»، مجله فرهنگ، ش ۲، ص ۸۹-۱۰۴
۱۷. خرمشاهی، بهاء الدین، کامران فانی، ابراهیم طاهری، احمد صدر حاج سید جوادی، «دایره المعارف تشیع»، بی جا، شهید سعید محبی، سوم، ۱۳۷۵ش
۱۸. زاهدی اصل، محمد؛ «مبانی رفاه اجتماعی»، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران: اول، ۱۳۸۱ش.
۱۹. سند ملی سالمندان کشور، مصوب ۱۳۹۶ش
۲۰. شیخی، محمد تقی و جواهری، محمود، «سالمندان و خدمات اجتماعی در ایران»، فصلنامه جمعیت، ج ۲۳، ش ۹۵ و ۹۶، صفحات ۵۱-۷۰، ۱۳۹۷ش
۲۱. صدر، محمد باقر، «اقتصادنا»، قم، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، ۱۳۹۳ش.
۲۲. صفی، محمد، «تعالیم آسمانی اسلام»، قم: اهل البيت، دوم، ۱۳۷۲ش.
۲۳. طباطبایی، محمد حسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم: ۱۳۹۰ق.
۲۴. الطبرانی، ابوالقاسم، «المعجم الاوسط»، تحقیق: طارق بن عوض، القاهره: دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۲۵. الطبرسی، علی بن حسن، «مشکاه الانوار فی غرر الاخبار»، تحقیق: مهدی هوشمند، قم: دارالحديث، اول، ۱۴۱۸ق
۲۶. الطوسی، محمد بن الحسن، «تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه»، تحقیق: موسوی الخرسان، حسن، بیروت: دارالتعارف، اول: ۱۴۰۱ق.
۲۷. عباس پور، زهرا، «آداب و آثار تعامل مثبت با سالمندان بر اساس آموزه های قرآنی و-روایی»، دانشکده علوم قرآنی تهران، ۱۳۹۸
۲۸. عباس پور، زهرا، طباطبایی امین، طاهره سادات، «آداب تعامل مثبت جامعه با



- سالمندان براساس آموزه‌های دینی»، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین درآموزه‌های قرآن و سنت، ش ۴، ۱۳۹۸ش
۲۹. علی پور، حسن، «سالمندی و تاثیر آن در احکام فقهی»، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ش.
۳۰. فروغ عامری، گلناز و فاطمه گواری، طاهره نظری و پوران افشارزاده، معصومه رشیدی نژاد، «تعاریف و نظریه‌های سالمندی»، نشریه حیات، دوره ۸، ش ۳-۴، ۱۳۸۰ش.
۳۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ناشر: دارالکتب العلمیة، بیروت، اول، ۱۴۱۵ق.
۳۲. قائمی، علی، «خانواده و مسائل سالمندان»، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۹ش
۳۳. قطب، سید، «فی ضلال القرآن»، بیروت، دارالشرق، سی و پنجم، ۱۴۲۵ق.
۳۴. کلینی، محمد، «الکافی»، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۵. الکشی، محمد بن عمر، «(إختیار معرفة الرجال) رجال الکشی»، محقق: طوسی، محمد، دانشگاه مشهد، اول، ۱۴۰۹
۳۶. مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، مصحح: جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۷. محدثی، جواد، «اخلاق معاشرت»، قم، بوستان کتاب، دوم: ۱۳۹۳ش.
۳۸. محمدی، مهدی، «حقوق سالخوردگان در فقه و حقوق ایران»، قم، دانشگاه اصول دین، ۱۳۹۵ش
۳۹. محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، قم: موسسه دارالحدیث، چهاردهم، ۱۳۹۳ش.
۴۰. محمدی ری شهری، محمد، «حکمت‌نامه سالمند و اندرزنامه جوان»، قم: موسسه دارالحدیث، اول، ۱۳۹۶ش.
۴۱. مسلم الحجّاج القشیری، ابوالحسین، «صحیح مسلم»، محمد فواد عبدالباقی، القاهرة، دارالحدیث، اول: ۴۱۲ق
۴۲. مصطفوی، حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، دارالکتب العلمیة، بیروت، سوم: ۱۴۳۰ق.
۴۳. مسعود اصل، ایروان، «نظام رفاه اجتماعی در جهان: مطالعه تطبیقی»، تهران، مجلس

شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های، اول: ۱۳۸۸ ش.

۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، ج ۲۳، تهران: دارالکتب الإسلامیة، دهم: ۱۳۷۱ ش.

۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، «پیام امام امیرالمومنین علیه السلام»، بخش بیستم، قم: امام علی بن ابی طالب، اول: ۱۳۹۰ ش.

۴۶. معتمدی، عبدالله، «نقش رویدادهای زندگی در سالمندی موفق»، علوم اجتماعی و انسانی، ش ۴۵، ۱۳۸۴ ش.

۴۷. موسوی، میرطاهر؛ محقق کمال، حسین؛ وامقی، مروّنه؛ رفیعی، حسن؛ صحاف، رباب؛ محمدی، محمد علی؛ محمدی، مهدی؛ جغتایی، فائزه؛ ابعاد، «مؤلفه‌ها و نشانگرهای رفاه اجتماعی سالمندان: در جستجوی یک شاخص ترکیبی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۶، ش ۶۰، بهار ۱۳۹۵ ش.

۴۸. هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا، «آناتومی رفاه اجتماعی»، تهران: جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۱ ش.

۴۹. یثربی، محمد؛ «سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام»، تهران: نگین، ۱۳۹۰ ش.

